

# تقلیل مسأله ملی به نزاع رسانه‌ای

نگاهی به ابعاد بازنمایی رسانه‌ای از مناسبات ایران و روسیه



پرچم ایران بر سردر دوما روسیه

ایلیا داودی  
دکترای علوم سیاسی

مفهومی هستند. بنابراین استفاده از این استعاره به صورت ویژه در ارتباط با روابط ایران با سایر کشورها مانند چین و روسیه کاملاً نادرست و ناکارآمد است؛ زیرا اساساً کشور ایران در موقعیتی قرار ندارد که تحت استعمار قرار گرفته باشد و کشورهایی که با آنها ارتباط برقرار شده نیز ماهیتاً کشورهای استعماری نیستند، البته تلاش برای برتری جویی و ازدیاد قدرت و کسب اقتدار در عرصه بین‌الملل هدفی برای تمام کشورها از جمله ایران است؛ اما آنچه تفاوت‌ها را به وجود می‌آورد اول، ماهیت این اقتدار و دوم، اهدافی است که از آن دنبال می‌شود. اینکه تصور شود در حال حاضر ایران بواسطه ارتباطات سیاسی و اقتصادی و برخی معاهدات، تحت استعمار آنها قرار دارد، نشان دهنده عدم درک درست از فضای بین‌الملل در جهان امروز و موقعیت ژئوپلیتیک ایران است. بنابراین استفاده از چنین استعاره‌هایی تأییدی بر غیرواقعی بودن برساخت رسانه‌ای از مناسبات ایران با کشورهای شرق هستند.

## ■ عدم درک پویایی عرصه بین‌الملل

به نظر می‌رسد کسانی که همچنان سعی دارند مناسبات حاکم بر فضای بین‌الملل را براساس دو قطبی بلوک شرق و غرب تفسیر کنند، هنوز در فضای قرن نوزدهم و بیستم باقی مانده‌اند و از صورت بندی‌های جدیدی که از مناسبات بین‌الملل در دنیای معاصر ارائه شده بی‌خبرند. اساساً دوران وجود دوگانه‌ای به نام شرق و غرب به عنوان دو بلوک سپری شده و در حال حاضر بین کشورهای حوزه شرق و حوزه غرب چندان ارتباط مجزا و از هم گسسته‌ای وجود ندارد

روسیه که در فضای کنونی رسانه‌ها وجود دارد، مورد توجه قرار گرفته و وجوه اشتباه آن برای مخاطب روشن شود تا از این طریق زمینه درک هرچه بهتر واقعیت موجود تشریح شود.

## ■ استعاره‌های ناکارآمد

عدم درک درست از فضای بین‌الملل باعث شده تا مناسبات بین‌المللی بدرستی درک نشوند و در نتیجه بیشتر از آن که مسائل بین‌الملل مورد تبیین‌های علمی و منطقی قرار گیرند، درگیر فضای رسانه‌ای و استعاره‌های از پیش تعیین شده و ناکارآمد باشند. یکی از این استعاره‌ها استفاده از کلمه «استعمار» و عبارت «ایران مستعمره» است. رسانه‌های جریان معاند و گاه رسانه‌های داخلی ناهمسو با جمهوری اسلامی با تکرار این عبارت سعی دارند تصویری مهندسی شده و البته غیرواقعی را از مناسبات ایران با روسیه و چین بازنمایی کنند، اما پدیده استعمار در ادبیات علوم سیاسی و روابط بین‌الملل تعریف مشخص خود را دارد. مفهوم استعمار با نفوذ و دخالت کشورهای زورمند در کشورهای ناتوان به بهانه آبادی و سازندگی برجسته شده و در تعریفی عامیانه‌تر معمولاً استعمار در جست‌وجوی به تاراج بردن دارایی کشورهای دیگر است. بنابراین استعمار از لحاظ سیاسی به معنای حاکمیت گروهی از قدرت‌های خارجی بر مردم یا بر سرزمین دیگر است به گونه‌ای که در وهله اول استقلال کشور مستعمره از بین برود و در وهله بعد، این کشور تحت سلطه و سیطره کشورهای استعمارگر درآید. تعاریف و گونه‌های دیگر استعمار نظیر استعمار پنهان نیز دارای همین وجه اساسی

**اشاره/** مسأله روابط ایران با روسیه یکی از مسائل مهم سیاست خارجی است که ذیل مسأله کلان تر ارتباط با شرق همواره مورد توجه رسانه‌ها قرار می‌گیرد. اگرچه زاویه پرداخت به موضوع بسته به ماهیت رسانه و جریان‌های سیاسی پنهان شده در پشت آن متفاوت است، اما در هر حال نمی‌توان موجودیت برساخت رسانه‌ای مناسبات بین این دو کشور را نادیده گرفت. استفاده از کلمه برساخت رسانه‌ای به این خاطر است که میان واقعیت موجود با ذهنیت‌هایی که توسط رسانه‌ها خلق می‌شوند، تفکیک صورت گیرد. پیش فرض نوشتار حاضر بر آن است که مسأله ارتباطات ایران و روسیه در رسانه‌ها با آن چیزی که در واقعیت موجود اتفاق می‌افتد، کاملاً متفاوت است و در حقیقت، تصویری که از روابط ایران با روسیه در رسانه‌ها نمایش داده می‌شود، تصویری مخدوش، مبهم، نادرست و غیرواقعی است. مواضع و تحلیل‌های بخشی از رسانه‌ها که عمدتاً رسانه‌های جریان معاند را تشکیل می‌دهند، چندان ابهامی ندارد زیرا سیاست همیشگی این دست رسانه‌ها مخالفت با جمهوری اسلامی است و اصل اینکه مخالفت بر سر چه چیزی باشد، چندان برایشان تفاوتی نمی‌کند اما برخی دیگر از رسانه‌های داخلی و منتقد که معاند هم نیستند و به دنبال روشن شدن ابعاد قضیه هستند، ممکن است نگاه دقیقی نسبت به ماهیت مناسبات ایران و روسیه نداشته باشند و فضای روندهای رسانه‌ای بیگانه، آنها را در تحلیل دچار ابهام و خطا سازد. در یادداشت حاضر تلاش بر آن است تا سوبیه‌های اشتباه در تحلیل مناسبات ایران و



ویژه‌نامه سفر رئیس‌جمهور به روسیه □ دی‌ماه ۱۴۰۰